

نگاهی به کتاب دین‌شناسی تطبیقی

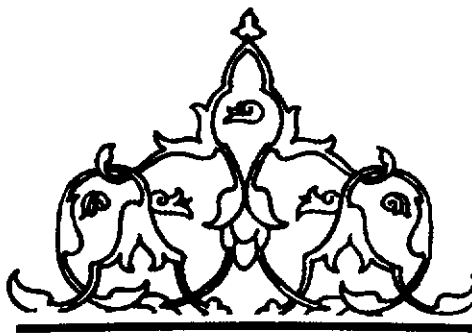
● رضا غلامی

و اعمال مهم پیروان اینگونه ادیان بپردازم. از این رو، این بررسی، بیشتر موضوعی و کمتر تاریخی است. سپس بار دیگر برای اینکه این بررسی واقعاً تطبیقی و مقایسه‌ای باشد، بخش جداگانه‌ای در رابطه با مقایسه و ارزیابی ادیان از دیدگاه عنوانهای ویژه مطرح شده را به کتاب افزودم. برپایه اینگونه مقایسه‌ها، کوشیده‌ام تا در پایان کتاب، به ارزیابی امکان وجود دین جهانی بپردازم؛ که چندی است از سوی دین‌شناسان و فیلسوفان جهان، مورد گفتگو است و داوری نهایی را بر عهده خواننده می‌گذارم. مؤلف ادامه می‌دهد: این کتاب بویژه برای استفاده دانشجویان نوشته شده و بنابراین، در لابه لای مطالب کتاب، ارزیابی‌های انتقادی معتدلی نیز انجام شده است.

ما در این مقال به علت مجال اندک ابتداء نگاهی به بخش یکم و سپس به بخش دهم که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است خواهیم داشت و مطالعه سایر بخش‌ها را به شما خوانندگان عزیز پیشنهاد می‌کنیم. بخش یکم: دین‌شناسی تطبیقی (ماهیت، هدفها و دیدگاهها)

مؤلف در ابتدای این بخش ضمن اشاره به دیرآغازی مطالعه و بررسی موضوع دین‌شناسی تطبیقی، یکی از مهمترین دلایل آن را به این واقعیت مربوط دانسته است که: بسیاری از بررسی‌های علمی دوران نوین از غرب سرچشمه گرفته و مردم کشورهای غربی، تا چندی پیش، در قلب و اندیشه‌ی خویش، به گونه‌ای به برتری دین خود باور داشتند و آن را مقایسه‌پذیر با ادیان شرق نمی‌دانستند. در نتیجه، آنها برای بررسی ادیان دیگر، جز دین خود، ضرورتی نمی‌دیدند. حتی هنگامی که گاهی این کار را انجام می‌دادند، تلاش آنها فقط از این دیدگاه بود که نقاط ضعف ادیان شرقی را بزرگنمایی کنند تا از اهمیت آنها بکاهند و برعکس، دین خود را ستوده و برتر نشان دهند. اما این کار، شیوه‌ای درست و بخردانه نیست که بتوان مطالعه‌ی تطبیقی ادیان دیگر را بر آن پی‌ریزی کرد. مؤلف ادامه می‌دهد: چنین مطالعه‌ای نیازمند دیدگاهی بی‌طرف، ناخشک‌اندیشانه و شکیبامدار است نویسنده با ذکر این مهم که نام دین‌شناسی تطبیقی نمی‌تواند بیانگر تمامیت مطالعه‌ای باشد که زیر پوشش آن انجام می‌شود، آن موضوع را مطالعه

- دین‌شناسی تطبیقی
- کدار نات تیواری
- برگردان سیدابوطالب فنایی و محمد ابراهیمیان
- انتشارات محسن
- چاپ اول، ۱۳۷۸
- بها: ۱۰۰۰۰ ریال.



دین‌شناسی تطبیقی کتابی است ۲۳۰ صفحه‌ای که در ده بخش مستقل که به نحو کاملاً علمی به شرح ذیل توسط یک محقق و دین‌شناس هندی تألیف شده است. بخش یکم: دین‌شناسی تطبیقی؛ ماهیت، هدفها و دیدگاهها... - بخش دوم: هندویسم - بخش سوم: بودیسم - بخش چهارم: دین چین - بخش پنجم: دین زرتشتی - بخش ششم: یهودیت - بخش هفتم: مسیحیت - بخش هشتم: دین اسلام - بخش نهم: دین سیک و بخش دهم: مقایسه و ارزیابی ادیان. همچنین این کتاب دارای یک پیشگفتار از مترجم و یک پیشگفتار از نویسنده می‌باشد.

ابتداء می‌پردازیم به پیشگفتار مترجم. مترجم محترم به چند نکته و ویژگی اساسی درباره این کتاب اشاره داشته است که نگارنده این مقال نیز با ایشان هم‌نظر است. که به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم: نخست آنکه: بررسی و تبیین چگونگی پیدایش ادیان بزرگ و دیدگاه آن ادیان در برابر هفت پرسش مهم که عبارتند از: خدا، جهان، انسان، شر و رنج، زندگی پس از مرگ، سرنوشت نهایی انسان، اصول و اخلاقیات و عبادتها، در تألیف این کتاب مورد اهتمام نویسنده قرار گرفته است. دوم آنکه: نویسنده سعی در عدم سوگیری، گرایش و هواداری نسبت به دین یا نظر خاصی در این اثر داشته و تمامی ابعاد ادیان مزبور را بی‌طرفانه و آزاد مورد بررسی و تبیین قرار داده است.

سوم اینکه: روانی و ساده‌نویسی در این کتاب باعث گردیده تا مطالعه این اثر برای گروههای مختلف سنی و با تحصیلات مختلف آسان گردد و آخر اینکه: مؤلف پس از ارائه داده‌ها و یافته‌ها در جهت شناخت ادیان، بخش جداگانه‌ای را به مقایسه و ارزیابی ادیان با رعایت به‌طرفی و انصاف اختصاص داده است که این مهم خود یکی از ویژگی‌های ممتاز این اثر می‌باشد.

و اما پیشگفتار نویسنده؛ نویسنده خود درباره کتابش اینگونه نوشته است: بسیاری از کتابهایی که در این زمینه (دین‌شناسی تطبیقی) وجود دارند، بیشتر به پیشینه پیدایش و رشد ادیان گوناگون پرداخته و کمتر به اصول بنیانی، باورها، دیدگاهها و اعمال تاکیدی ادیان توجه دارند. بنابراین من (نویسنده) در این کتاب، به جای پرداختن به تاریخ ادیان، بر آن بوده‌ام تا با پژوهش درباره عنوانهای ویژه و مشخص، به بررسی باورمندیها

تطبیقی ادیان بزرگ جهان می‌نامد. سپس اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که: به سخنی دقیق‌تر، دین‌شناسی تطبیقی، مطالعه تطبیقی جنبه‌های مهم ادیان گوناگون جهان، به صورتی کاملاً «علمی» است.

در این باره مؤلف چنین می‌نویسد:

در نگاه نخست، هیچ مقایسه‌ای، ممکن به نظر نمی‌رسد، زیرا هر دینی در کلیت خود، ویژگی‌های خود را داراست، بنابراین، چگونه می‌توان مقایسه‌ها را انجام داد؟ افزون بر این، در انجام مقایسه، همواره احتمال فزون تأکیدی (تأکید فوق‌العاده) در مورد همانندیها (تشابهات) و ناهمانندیهای میان ادیان گوناگون وجود دارد. در حقیقت، ادیان جهان در موارد مهمی با هم اختلاف و یا توافق دارند، اما افراد مجذوب و خشکاندیش (متعصب) برای ارائه مطالب بی‌هوده و کشدار، توضیح‌های نادرستی و بی‌اهمیت و تصنعی گرایش‌های بیش از اندازه نابخردانه‌ای را نشان می‌دهند. در حالیکه برای انجام مقایسه‌های درست و همدردار باید از هر دو نوع گرایش افراطی پرهیز کرد.

مؤلف معتقد است: که برای پیشگیری از هر نوع تبعیض، گرایش و یا مبالغه نادرست نسبت به هر یک از ادیان، باید دیدگاهی «معرفت‌جویانه» را پیش گرفت. همچنین، برای اینکه بتوان در گستره ادیان، مطالعه‌ای واقعاً تطبیقی را انجام داد، ضروری است که انسان نسبت به ادیان دیگر، احساس «همفکری» و «همدلی» بیشتری داشته باشد... حسن نظر نسبت به ادیان دیگر، عنصر ضروری و مهم مطالعه ادیان است.

مؤلف ادامه می‌دهد که برای انجام مطالعه‌ی علمی ادیان، احتیاط دیگری را نیز باید پذیرفت و آن این است که برای دین‌شناس نوعی حساسیت مذهبی (اندکی دلبستگی، نه به مذهبی ویژه، بلکه به دین به طور اعم) ضروری است... چرا که مطالعه ادیان فقط مطالعه جنبه‌های عینی آنها (آنگونه که به صورت ظاهری در آنها دیده می‌شود) نیست.

افزون بر این، اگر قرار است دین‌شناسی تطبیقی، مطالعه‌ای واقعاً آکادمیکی باشد، نباید فقط به «توصیف» تطبیقی نکات گوناگون در چارچوبی علمی بپردازد، بلکه باید تا اندازه‌ای، انتقادی و همراه با ارزیابی باشد.

□ □ □

آنچه جزء ویژگی مثبت این اثر می‌نماید و آنرا یک کتاب با قابلیت آموزش تبدیل ساخته است. نظم خاصی است که از ابتداء تا انتهای این اثر به چشم می‌خورد برای نمونه در تمامی بخشها این تقسیم به چشم می‌خورد:

۱. سرآغاز ۲. جنبه‌های اساسی دین... ۳. خدا در دین... ۴. جهان در دین... ۵. انسان در دین... ۶. شر و رنج در دین... ۷. زندگی پس از مرگ در دین... ۸. سرنوشت نهایی انسان در دین... ۹. اخلاق، شیوه‌های پرستش و اصول دین... ۱۰. فرقه‌های اساسی در دین...

حال می‌رویم به سراغ مهمترین بخش کتاب یعنی مقایسه و ارزیابی ادیان که مؤلف در آخرین بخش این کتاب بدان پرداخته است.



همه ادیان، خدا را آفریدگار، نگهدارنده و نابودکننده‌ی جهان می‌دانند و او را حاضر در جهان و در عین حال، متعالی‌تر از آن می‌دانند. با این وجود، میان آنها تفاوت‌هایی نیز وجود دارد برای نمونه، ماهیت خداوند در سنت هندویی، گاهی به طور کامل با ماهیت خداوند در سنت سامی تفاوت دارد. و از سویی دیگر، ادیان سامی نیز گاهی در مورد ماهیت خدا، با یکدیگر اختلاف نظر دارند. هرچند که تفاوت ادیان سامی، عمدتاً در مورد چگونگی و میزان تأکید آنها بر یکی از ویژگی‌های خداوند نهفته است. خداوند در ذات خویش، بدون ویژگی، ولی در ارتباط با انسانها، دارای ویژگی است.

۳. در برخی از ادیان سامی؛ همچون یهودیت و اسلام، اسرارآمیز بودن ذات خداوند، مورد تأکید است، اما ادیان سنت هندی، این امر را به شیوه‌ی خویش مورد تأکید قرار می‌دهند. آنها یادآوری می‌کنند که ماهیت خداوند، چنان مرموز و برون از درک انسان است که فقط با واژه‌های منفی، همچون «نامحدود» و یا «نادیدنی» شناخت پذیر است.

۴. یهودیت و مسیحیت، خدا را دارای شخصیت می‌دانند، اما در هندویسم، خدا نه دارای شخصیت و نه بدون شخصیت است؛ او، «فراشخصیت» نامیده می‌شود.

۵. آفرینش جهان مهمترین وجه تمایزی است که ادیان گوناگون، در مورد آن با یکدیگر تفاوت دارند. در سنت ادیان سامی (یهودیت، مسیحیت و اسلام)، خداوند فقط علت اصلی جهان است و نه علت مادی آن. او جهان را نه از عدم آفریده است. اما در هندویسم، خداوند، هم علت اصلی و علت مادی جهان است. او جهان را نه از عدم، بلکه از اجزای مواد وجود خویش آفریده است. بنابر باور هندویسم، وجود، از عدم وجود، بوجود نمی‌آید. در هندویسم، جهان، همانند پیکری است که خداوند، روح باطنی آن شمرده می‌شود...

۶. به نظر می‌رسد که از نقطه نظر تثلیث بین مسیحیت و هندویسم، همانندی زیادی وجود داشته باشد. با این حال، باید گفت که بین تثلیث این دو دین، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. برهما در هندویسم، نمایانگر جنبه‌ی آفرینشگری؛ ویشنو، نمایانگر جنبه‌ی نگهدارندگی؛ و شیوا، نمایانگر جنبه‌ی نابودکنندگی خداوند متعال است، اما در مسیحیت اینگونه ویژگی‌های کارکردی در ماهیت خداوند وجود ندارد.

۷. در مورد ماهیت توجه خدا به امور جهان نیز بین ادیان هندی و ادیان سنت سامی، ناهمانندی‌هایی وجود دارد. بنابر باور هندویسم، هرگاه زندگی پرهیزکارانه، نادیده گرفته شود و شرارت در جهان حاکم شود، خود خداوند در زمین تجسم یافته و شر را نابود می‌کند. این کار، چندین بار در گذشته انجام پذیرفته و در آینده نیز تکرار خواهد شد. اما ادیان سنت سامی (یهودیت و اسلام) به چنین چیزی اعتقاد ندارند. بنابر باور آنها، خداوند هرگاه که لازم باشد، برای راهنمایی، پیامبرانی را به زمین می‌فرستد... در اسلام، محمد(ص) خاتم پیامبران است و پس از او پیامبری نخواهد بود.

۸. در میان ادیان سامی، یهودیت تقریباً منبع اولیه‌ی

۱ - ۱۰ سرآغاز:

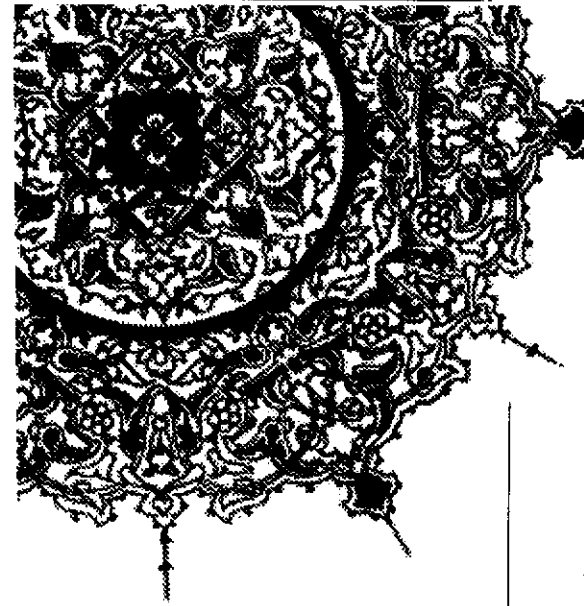
در سرآغاز بخش دهم مؤلف بیان می‌دارد که بر آن است تا ادیان مختلف را بصورت تطبیقی و مقایسه‌ای مورد بررسی قرار داده و موارد «همانندیها» (تشابهات)، و «ناهمانندیها» (اختلافها)ی آنها را یادآور شود. وی می‌نویسد: ادیان گوناگون، از سنت‌های گوناگون و برای رویارویی با زمینه‌های مختلفی بوجود آمده‌اند. بنابراین، تفاوت‌هایی میان آنها بچشم می‌خورد، اما چون دین، به عنوان یک مجموعه، بدلیل مسائل عمومی ویژه‌ای که انسان در جهان یا آنها روبه‌روست، در خود آگاهی انسان بوجود می‌آید، و نیز به دلیل اینکه مردم در سنت‌های گونه‌گون، دارای احساسات، عقاید و احساسهای همانندی هستند. در میان ادیان گوناگون، همانندیهای ویژه‌ای نیز دیده می‌شود.

۲ - ۱۰، خدا در ادیان:

نکات مهمی را که مؤلف در این قسمت بیان می‌دارد عبارتند از:

۱. بجز چند دین جین و بودایی و بخشی از هندویسم، بقیه ادیان جهان، بنا به ماهیت، توحیدی هستند و برخی از آنها چون: اسلام، یهودیت و سیک بر صفت توحیدی بودن، تأکید بسیاری دارند. همچنین دوگانگی، سه‌گانگی در الوهیت در ادیانی چون: زرتشتی و مسیحیت، فقط ثانوی و ظاهری است و زیربنای آنها توحیدی است. (چرا که این ادیان نیز زمینه‌هایی برای ادعای توحیدی بودن خود دارند)... حتی امروزه یک فرد عامی هندو نیز به هنگام پرستش خدایان یا الهه‌ها، کاملاً آگاه است که این خدایان، همگی تجلیات یا جنبه‌هایی از خدای قادر متعال هستند. لذا از این رو، چنین برمی‌آید که تقریباً تمام ادیان جهان، صریحاً یا تلویحاً به وجود خدای خالق قادر متعال اعتقاد دارند؛ اگرچه ممکن است این خدا، تجلیات یا جنبه‌های وجودی گوناگونی داشته باشد.

۲. ادیان جهان، ویژگی‌های متافیزیکی و فراطبیعی و اخلاقی گوناگونی را به خداوند نسبت می‌دهند که در این میان، می‌توان نامحدود بودن، قادر متعال بودن، علیم بودن، حضور داشتن در همه جا، همچنین، رحم، عدالت، نیکخواهی و مانند آنها را نام برد. فزون بر این،



مشخص است که خدای اسلام، افزون بر تمام ویژگیهایی که خدای یهودیت و یا مسیحیت دارد، به طور کلی به عنوان رب، مولا و سرور مطلق شناخته می‌شود، در حالیکه خدای مسیحی به عنوان پدری دلسوز است با این وجود نباید بر این ناهمانندی، تأکید بسیار داشت، زیرا خدای دین اسلام نیز رحیم، رحمن، مشفق، مهربان، عادل و مانند آنهاست.

۳-۱۰: جهان در ادیان

بجز دو دین بودایی و جین، دیگر ادیان جهان بر این باورند که جهان، آفریدهٔ خداوند بوده و وابسته به اوست. آنها همچنین برآنند که خداوند، به ارادهٔ خویش، روزی جهان را نابود خواهد کرد. اما درباره جزئیات فرآیند آفرینش و ماهیت حقیقی و جایگاه آن، با یکدیگر، اختلاف دارند.

همچنین مؤلف این نکته را نیز شایان یادآوری می‌داند که تقریباً تمامی ادیان، جهان را پدیده‌ای حقیقی می‌دانند. البته برخی از ادیان در مقایسه با ادیان دیگر، بر حقیقت جهان تأکید بسیاری دارند، اما هیچ دینی، جهان را ناحقیقی نمی‌داند. مؤلف ادامه می‌دهد: در حالی که هندویسم و بودیسم، بر اهمیت و واقعیت جهان، چندان تأکید نمی‌کنند. اما بی‌گمان، آنها جهان را واقعی نیز نمی‌دانند. (اگر هم چنین تفکری از ناحیه هندویسم مطرح شده باشد مربوط به یکی از جنبه‌های هندویسم است نه همه آن) بنابراین، از نظر مؤلف، همهٔ ادیان، این جهان را واقعی می‌دانند و مدعی نیستند که بجز اعمال اخلاقی، بقیه اعمال، بدون ارزش هستند. با این حال، هر یک از ادیان به نوعی، دلبستگی بیش از حد به جهان را اشتباه می‌دانند و این جهان را پدیدهٔ حقیقی نهایی به شمار نمی‌آورند. البته، ادیان هندی، بودایی و جین، بر این جنبه تأکید بسیار دارند و به نظر می‌رسد که در مورد جهان، گرایش منفی دارند. از سوی دیگر، اسلام، یهودیت، و زرتشتی، بر نقش انسان در این جهان تأکید فراوان دارند، تا جائیکه آیندهٔ انسانها به اعمال دنیوی آنها بستگی دارد.

۴-۱۰: انسان در ادیان

مؤلف می‌نویسد: تقریباً تمام ادیان جهان برای انسان منزلت بسیار والایی قائل هستند. دین بودایی و جین خدا را انکار می‌کنند و طبعاً انسان را بالاترین مرجع می‌دانند و بر این باورند که انسان، بالقوه توانایی دستیابی به الوهیت را دارد. فقط به دلیل نادانی (جهل) است که گاهی ماهیت حقیقی وی پنهان می‌شود.

در هندویسم و دین سیک، انسان موجودی برجسته به شمار آمده است. روح او، بارقه‌ای الوهی است و بنابراین، از تمام موجودهای جهان والاتر است. انسان به دلیل نادانی نمی‌تواند عظمت وجود خویش را بازشناسد و از محدودیت‌های گوناگون، رنج می‌کشد. هرگاه که او بتواند ماهیت خود را باز یابد، نامتناهی شده و از تمام محدودیت‌های گوناگون رها می‌شود. یهودیت و مسیحیت نیز به شیوه خویش، انسان را

بالاترین موجود معرفی می‌کنند. بنابر دیدگاه آنها، خداوند انسان را در آخرین روز آفرینش به شکل خود آفرید و بنابراین، او میوهٔ نهایی آفرینش است فزون بر این، انسان برای این ساخته شده تا به عنوان دستیار خدا در ایجاد حاکمیت کاملی خوبی بر زمین و نابودی شر تلاش کند.

مؤلف در ادامه می‌نویسد: در اسلام، مسئله از این پیچیده‌تر است. باورمندی اسلام به حاکمیت مطلق خداوندی و تقدیر انسان را کاملاً در اختیار خداوند قرار می‌دهد. در عین حال همانگونه که از قرآن برمی آید، انسان از آزادی برخوردار است، اما تقدیر (قسمت) بر همه چیز مقدم است. از سوی دیگر، دین هندویسم و بودیسم را نمی‌توان تقدیرگرا نامید، زیرا چنانکه مشخص است، آنها آزادی چندانی برای انسان قائل نیستند، همانگونه که در دین زرتشتی به «قانون کارما»، به عنوان نماد آزادی و تقدیر، بهای چندانی داده نمی‌شود. یهودیت و مسیحیت قائل است که اگر چه خداوند قادر مطلق است، ولی با این حال، به ارادهٔ خویش، قدرت بی حد و مرز خویش را محدود ساخته و به انسان آزادی داده است. انسان می‌تواند به هر شیوه‌ای که می‌خواهد از آزادی خود استفاده کند.

در جمع‌بندی راجع به مقوله آزادی مؤلف اعتقاد دارد: همه ادیان بویژه اسلام، به آزادی انسان اعتقاد دارند، زیرا همه آنها از آیندهٔ روشنی سخن می‌گویند که رسیدن به آن، نیازمند انجام کارهای نیک در این جهان است. وی ادامه می‌دهد اگر آزادی وجود نداشته باشد، انسان در برابر سرنوشت بد یا خوب خود، هیچگونه مسئولیتی نخواهد داشت.

در ادامه مؤلف دوباره به تبیین دیدگاه ادیان درباره کلیت انسان ادامه می‌دهد. ادیان هندی، انسان را اساساً روحانی می‌دانند بنابر دیدگاه این ادیان، در باطن انسان، روحی وجود دارد که ماهیت اصلی او را تشکیل می‌دهد. این روح، نامیراست و بنابراین انسان اساساً نامیرا خواهد بود. در این میان، حتی بودیسم که آشکارا منکر روح است، به شیوهٔ خود، این عقیده را می‌پذیرد. یهودیت و مسیحیت نیز با این باور که خداوند، انسان را به شکل خود آفریده است، او را روحانی می‌دانند. زیرا خداوند، ماهیتاً روحانی است پس انسان نیز روحانی است.

در این میان، دیدگاه اسلام کاملاً روشن است و ماهیت انسان را اساساً روحانی می‌داند. این دین، همانند ادیان دیگر به زندگی پس از مرگ باورمند است و از همین نکته می‌توان پی برد که در انسان، عنصری روحانی وجود دارد که نامیرا بوده و با مرگ نابود نمی‌شود. اما در مورد حضور روح نامیرا در انسان که ماهیت حقیقی و اساسی انسان باشد، در قرآن، آشکارا بیان می‌کند که انسان از لخته‌های خون آفریده شده است که به معنی بخش مادی ماهیت بوده و سپس خداوند، روح خود را در کالبد مادی انسان دمیده است.

۵-۱۰: شر و رنج در ادیان

مؤلف می‌نویسد: از آنجا که رنج، حقیقتی آشکار

بسیاری از عقاید و مفاهیم مهم دو دین مسیحیت و اسلام است. در مورد مفهوم خداوند، بین یهودیت و اسلام همانندی‌هایی است. هر دو دین کاملاً توحیدی هستند و این عقیده، بخوبی در رفتار و عقاید پیروان آنها نمایان است...

۹. هم اسلام و هم یهودیت، بر ویژگی اسرارآمیز بودن وجود خداوند متعال تأکید کرده و او را حاضر و ناظر بر امور جهان می‌دانند.

۱۰. به نظر نویسنده اسلام، خداوند را پویا (دینامیک) نیز می‌داند^(۱) و اگرچه ویژگی در اصالت یهودیت و مسیحیت نیز وجود دارد ولی آشکارا بر آن تأکید نمی‌شود.

۱۱. بین مفهوم خداوند در یهودیت و مسیحیت، تفاوت شایان توجهی وجود ندارد. این دو دین، اساساً یکی هستند هرچند که ناهمانندی‌هایی بین آنها وجود دارد. هم یهودیت و هم مسیحیت، خدا را قادر، علیم، رحیم، مهربان، عادل و مانند آن می‌دانند اما در حالی که یهودیت بر قادر بودن خداوند و به همان میزان بر لطف و عدالت او تأکید می‌کند، مسیحیت بر ویژگی عشق خدا، بیشتر از همه، تأکید می‌ورزد... از سوی دیگر خدای یهودی، گاهی به عنوان خدای خشمگین و انتقامجو توصیف می‌شود اما در مسیحیت چنین مفاهیمی وجود ندارد. با این وجود، باید توجه داشت که ایدهٔ وجود خدا به عنوان پدر دلسوز در یهودیت نیز تا اندازه‌ای وجود دارد...

۱۲. نکته‌ای که یهودیت را به اسلام نزدیک‌تر و مسیحیت را از آن دور می‌کند، در الوهیت این ادیان نهفته است هم یهودیت و هم مسیحیت، ادعای توحید می‌کنند اما مسیحیت به دلیل تثلیث (سه‌گانگی) نمی‌تواند همانند یهودیت کاملاً توحیدی باشد...

است، تمام ادیان در مورد آن سخن گفته و آن را مسئله‌ای مهم می‌دانند. اما واکنش‌ها، همواره یکسان نیستند. ادیان هندی که عموماً به صورت عملی با رنج روبه‌رو می‌شوند. رنج را مهم‌ترین بازدارنده خود می‌دانند و برای رهایی از آن، راه‌ها و ابزار را پیشنهاد می‌کنند. البته آنها در همین رابطه، علت رنج را نیز بیان می‌کنند. از سوی دیگر ادیان سامی به صورت نظری با رنج برخورد می‌کنند. آنها بر آنند که در مورد رنج توضیح داده و برای آن دلیل ارائه دهند. علت وجود رنج چیست؟ یا اینکه خداوند، جهان را آفریده و از آن نگهداری می‌کند، پس علت وجود شر و توجیه آن چیست؟ اینها پرسشهایی هستند که ادیان برآند تا آنها را پاسخ دهند... اگرچه ادیان در جزئیات با هم تفاوت دارند. ولی همه آنها می‌پذیرند که در پشت هر شری، خیری نهفته است و خداوند، به همین دلیل، به آنها اجازه وجود داده است. دین زرتشتی و تمام ادیان سامی، به یک شیطان باور دارند و شر را به او نسبت می‌دهند... اما چنانکه به نظر می‌رسد. هیچ دینی، شیطان را نیروی مستقل و برون از دایره قدرت خداوند نمی‌دانند... در ادامه مؤلف به توضیح بیشتر دیدگاه ادیان مختلف درباره شر و رنج پرداخته است.

۶-۱۰: زندگی پس از مرگ در ادیان:

بنابر دیدگاه مذهبی (در مقابل دیدگاه مادی) جهان مادی، فقط جزئی از حقیقت است و مرگ جسم مادی، به معنای پایان همه چیز نیست. تمام ادیان جهان، به گونه‌ای به زندگی پس از مرگ، باورمند هستند؛ هرچند که در جزئیات با هم تفاوت دارند. تمام ادیانی که منشأ هندی دارند (هندویسم، بودیسم، جین و سیک)، آشکارا بر این باورند که انسان، پس از پایان زندگی کنونی، با توجه به اعمالی که در این جهان انجام داده، بار دیگر در کالبدی نوین تولد می‌یابد (تناسخ) هر انسانی، روحی در درون دارد که با مرگ جسم مادی از بین نمی‌رود و پس از مرگ جسم، درون جسم تازه‌ای می‌رود...

در ادیان سامی، مباحث مربوط به معادشناسی، کم و بیش، یکسان است. روز داوری و حسابرسی، رستاخیز مردگان محاسبه‌ی میزان خوبی و بدی انسانها بر روی زمین و سرانجام فرستادن آنها به بهشت و یا جهنم، با توجه به اعمالشان اجزای اصلی معادشناسی ادیان سامی است. با این حال، حتی این ادیان نیز از نظر جزئیات با هم تفاوت دارند. معادشناسی یهودیت، تا اندازه‌ای مبهم و نامشخص و چندگونه است، ولی این حالت در مورد اسلام و مسیحیت، درست نیست. دیدگاه اسلام در مورد معاد، روشن‌ترین و مشخص‌ترین دیدگاه است... یکی از باورهای یهودیت آن است که افراد گنهکار، زندگی اخروی نخواهند داشت و مرگ جسم، پایان کار آنهاست فقط انسان پرهیزکار است که از مزیت رستاخیز برخوردار شده و در بهشت جای می‌گیرد. گاهی یهودیت، روز رستاخیز و حسابرسی نهایی را می‌پذیرد که خداوند در آن روز، جهان را به پایان می‌برد

در آن روز تمام مردگان نزد خداوند محشور شده و متناسب با اعمال نیک و بد خود، به بهشت یا دوزخ فرستاده می‌شوند. یهودیت در مورد سرنوشت انسان در دوران برزخ ایده‌ای روشن ندارد. اما اسلام و مسیحیت در این مورد دیدگاهی آشکار و روشن دارند... اما دین زرتشتی در دو نکته با ادیان سامی تفاوت دارد. نخست آنکه بنابر دیدگاه زرتشتی، روح، پس از مرگ جسم مادی، ۳ روز در کنار مرده مانده و در مورد کارهای خود می‌اندیشد. و سپس برای حسابرسی نهایی و واگذاری بهشت و یا جهنم، نزد خدا آورده می‌شوند. نکته دوم آن است که ماندگاری در دوزخ در زرتشتی، ابدی نیست و روح گناهکار فقط تا پایان کار جهان کنونی که به اراده اهورامزدا انجام می‌گیرد، در دوزخ خواهد بود. پس از آن، تمام ارواح، به گونه‌ای یکسان، عضو یک مجموعه می‌شوند در آنجا، شر و یا رنجی وجود ندارد و فقط خیر و نیکی دیده می‌شود...

۷-۱۰: سرنوشت نهایی انسان در ادیان:

مؤلف می‌نویسد: در مورد سرنوشت انسان نیز همچون موارد دیگر: ادیان سنت هندی، کم و بیش، باورها و دیدگاههای همانندی دارند در حالیکه ادیان سامی و دین زردشتی، دارای دیدگاههای دیگری هستند... پرسشی که در این ادیان مطرح می‌شود این است که آیا دستیابی انسان به رستگاری و رسیدن او به کمال، همانند کمال خداوند است، یا اینکه با آن تفاوت دارد؟ به سخنی دیگر، آیا این کمال به معنی یکسانی با خداست، یا اینکه فقط به معنی نزدیکی و ارتباط با خدا خواهد بود؟ در پاسخ به این پرسش، هندویسم و دین سیک، از برخی جنبه‌ها با هم همانندی و یا ناهمانندی دارند و حتی در خود هندویسم نیز پاسخهای متفاوتی به این پرسش داده شده است. از آنجا که دین بودایی و جین، به خدا اعتقاد ندارند، بنابراین، چنین پرسشهایی نیز در بین آنها مطرح نمی‌شود. بنابر باور هندویسم و بودیسم، دستیابی به بی‌آزاری، در همین جهان، امکان‌پذیر است... هندویسم گاهی بهشت را سرنوشت نهایی و کمال مطلوب هر انسانی می‌داند. اما بودیسم و جین (و شاید دین سیک) چنین دیدگاهی ندارند.

ادیان سامی عموماً بر این باورند که دستیابی به بهشت و جهنم بر حسب اعمال دنیوی، سرنوشت نهایی تمامی انسانهاست. با این وجود، هدف انسان برای سرنوشت نهایی خود باید رسیدن به بهشت باشد و فقط در مورد آن بیاندهند... ادیان سامی در تمام این موارد، کم و بیش، با یکدیگر سازگار هستند... در ادامه مؤلف به تبیین دیدگاه سایر ادیان و مقایسه آنها با یکدیگر می‌پردازد.

۸-۱۰: اخلاق، شیوه‌های پرستش و اصول

ادیان:

هر دینی، عقاید و اعمال ویژه‌ای را دربر می‌گیرد... ادیان گوناگون با وجود داشتن همگونی و همانندیها،

ناهمانندیهایی نیز دارند. تفاوت در اعمال ادیان گوناگون، بیشتر از همانندیها به چشم می‌خورد... راههای عبادت، اجرای آیین‌ها و مراسم گوناگون و اینگونه اعمال در ادیان مختلف، کاملاً متفاوت است و با بررسی ادیان، می‌توان به مطالعه اینگونه اعمال پرداخت. با این وجود این ادیان با هم همانندیهایی نیز دارند، زیرا تمام این اعمال، به شیوه ویژه هر یک از ادیان، برای برخورداری از لطف الهی، به خدا و یا خدایان نثار می‌شود تا بدین ترتیب، انسان، خود را از رنجهایی که با آنها دست به گریبان است، رها کرده و برای سرنوشتی بهتر تلاش کند. تفاوت بین اعمال، در شیوه اجرای آنهاست و چون انسانها به سنت‌ها و مناطق جغرافیایی گوناگون وابسته‌اند، نمی‌توان انتظار داشت که همه آنها، عملی را همانند هم بجا آورند اما نکته‌ای که در اینجا شگفت‌آور است، تفاوت میان این ادیان نیست بلکه همانندیهای ادیان است که شگفتی‌برانگیزند. برای نمونه، روزه که یکی از اعمال بسیار مهم دینی است، در هندویسم، بودیسم، جین، یهودیت و اسلام وجود دارد. احترام به آتش در دین زردشتی و هندویسم، از اعمال مقدس به شمار می‌آید و زیارت نیز در اسلام و هندویسم، از ارزش مذهبی والایی برخوردار است. در مورد بسیاری از اعمال مذهبی، بین اسلام و یهودیت از یکسو، و یهودیت و مسیحیت از سوی دیگر، همانندیهای بسیاری وجود دارد از اینها، خواندن متون مذهبی تقریباً در تمام ادیان، وظیفه بسیار مقدس شمرده می‌شود. همچنین، هر دینی نسبت به ساختن معابد مذهبی و زیارت‌تگاه برای گردآمدن گروهی یا فردی مردم به منظور ستایش و عبادت خداوند، اهمیت بسیاری قائل است. افزون بر مطالب یاد شده، بین اعمال اخلاقی ادیان گوناگون نیز همانندیهای بسیاری وجود دارد، و هیچ دینی نیست که با آموزه‌های مذهبی، به دنبال دشمنی با ادیان دیگر باشد. همچنین هیچ دینی، دلبستگی افراطی به اشیایی دنیوی را پسندیده نمی‌داند. برعکس، تمامی ادیان، اجرای فضایل اخلاقی، همچون آزادی، انسانیت، فروتنی، عفت، پاک‌ی، عشق، مهربانی، درستی و راستکاری و مانند آنها را وظیفه مقدس هر انسانی دانسته و روحیه برادری را آموزش می‌دهند. تمام ادیان، پرهیز از خشونت و بی‌رحمی نسبت به آفریده‌های خداوند را به پیروان خود آموزش می‌دهند.

□□□□

در پایان جا دارد از ترجمه خوب و روان مترجمان محترم این اثر ارزنده سپاسگزاری نمایم. بدون شک ترجمه اینگونه آثار بویژه از مؤلفان و محققانی از شرق و بویژه کشور هند که دارای فرهنگ و اندیشه کهن نیز می‌باشد هم در بررسیهای دین‌شناسانه تنوع ایجاد نموده و هم ما را با دیدگاههای شرقی در نگاه به ادیان شرقی که طبعاً از عمق بیشتری برخوردار است، آشنا می‌سازد.

● پانوشت

(۱) منظور نویسنده از این مطلب با توجه به مطالب کتاب، بویایی فعل و خلق خداوند است و نه ذات و صفات ذات خداوند.